روی خط حادثه

ماجرای مرد ۵۰ساله‌ای که دله‌دزدی می‌کرد

سهیل دیبا| اینکه پنجاه‌ساله باشی و هنوز در چرخه سرقت مانده باشی آن هم دله‌دزدی و سرقت کابل از وسط خیابان‌ها در روز روشن، مطمئنا یک جای زندگی‌ات می‌لنگد. مطمئنا این لنگیدن از روزی آغاز شده که به جای درس خواندن یا متخصص شدن در یک حرفه، دنبال خوش‌گذرانی بروی بدون توجه به اینکه تو هم عضوی از این جامعه هستی و حداقل باید برای تشکیل زندگی خودت تلاش کنی. با تمام این تفاسیر پلیس مشهد در روزهای گذشته موفق به دستگیری سارقی شد که وسط روز در حال بریدن کابل‌های برق یک کارگاه در حوالی شهرک مهرگان بود. مأموران کلانتری مهرگان که توانسته بودند جلو فرار متهم را بگیرند، او را به مقر انتظامی منتقل کردند. این فرد با وجود اینکه در صحنه سرقت دستگیر شده بود، مدعی بود که دزد نیست. اما بازجویی‌های تخصصی در کنار مستندات و ادله کشف شده، اطلاعات جدید به ذهن متهم آورد و در نهایت به سی فقره کابل‌دزدی در شهرک مهرگان اعتراف کرد. این متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

پایان رؤیای خیالی با پلمب شرکت هرمی

جلائیان| در ابتدا با اجاره یک ساختمان در منطقه مصلی فعالیت خود را با شناسایی طعمه‌های مختلف آغاز کردند. پس از آن هر کدام طعمه‌های خود را که بیشتر آن‌ها جوان و جویای شغل و کسب ثروت بودند به محل این شرکت می‌کشاندند. آن‌ها به‌طور گروهی برای این جوانان جلسات توجیهی گذاشته و با وعده‌هایی جذاب آن‌ها را فریب می‌دادند. به مرور هر کدام از ۹ سرشاخه اصلی این شرکت هرمی پس از برگزاری جلسات توجیهی متعدد با شگردهای خاص، سوءاستفاده از جوانان را آغاز می‌کردند. طعمه‌های این شرکت هرمی که مجبور بودند جزوه‌های مخصوصی را با قیمت‌های نجومی درباره شرکت‌های هرمی و برخی کالاهای کم‌ارزش را خریداری کنند، در ادامه مجبور شدند چند تن از اقوام و دوستان خود را به محل این شرکت بیاورند. افرادی که آن‌ها نیز به مرور زمان قربانی سرشاخه‌های شرکت شدند. فعالیت این شرکت ادامه داشت تا اینکه برخی قربانیان این شرکت هرمی، نسبت به فعالیت آن به پلیس شکایت کردند. پرونده این شکایت روی میز سرهنگ محمد چراغ، جانشین فرمانده انتظامی مشهد، قرار گرفت تا به دنبال آن مأموران کلانتری مصلی مأمور رسیدگی به پرونده شوند. مأموران با انجام تحقیقات میدانی محل فعالیت اعضای اصلی این شرکت هرمی را کشف و زیرنظر گرفتند. مأموران خیلی زود ۹ سرشاخه اصلی این شرکت را شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی این افراد را دستگیر کردند.

دلال املاک، ساقی موادمخدر بود

بخشنده| نمی‌توان درک کرد که چطور به ذهنش رسیده بود با پوشش یک مشاور املاک، موادمخدر بفروشد. این درحالی بود که فعالان مشاور املاک در صورتی که درست کار کنند سود خوب و درخور توجهی به جیب می‌زنند. اما پوشش مشاور املاک زیاد دوام نیاورد و مأموران کلانتری معراج، متوجه موضوع شدند. به دنبال این اطلاعات، مأموران کلانتری معراج با انجام تحقیقاتی نامحسوس، این بنگاه املاک را زیر نظر گرفتند. تحقیقات مأموران زیاد طولانی نشد و آن‌ها خیلی زود مدارک کافی از متهم به دست آوردند که ثابت می‌کرد او در بازه‌های زمانی خاصی از روز، در این واحد صنفی موادمخدر می‌فروشد. با به دست آوردن این مدارک، مأموران با هماهنگی قضایی وارد این بنگاه شده و ضمن دستگیری متهم در بازرسی از آن موفق به کشف ۱۶۵ بسته موادمخدر آماده فروش شامل تریاک و شیره شدند.

کوتاه‌تر از حادثه

سگ هار کودک ۶ساله را کشت

تابناک| ۲۲ اردیبهشت، کودک شش‌ساله دزفولی از ناحیه سر، صورت، دست و کمر مورد حمله سگی هار قرار گرفت. این کودک به دلیل شدت آسیب‌ها به بیمارستان منتقل و بستری شد. سه روز بعد این کودک با بهبود علائم از بیمارستان مرخص شد. اما دو روز بعد و با شدت تب، خانواده کودک به دلیل اطلاع از خطرناک بودن این نوع گزش، کودک را به بیمارستان علی‌اصغر تهران برای ادامه درمان منتقل کردند. با وجود تلاش‌های کادر درمان، اقدام‌های درمانی شکست خورد و متأسفانه این کودک وارد کمای هاری شد و جان خود را از دست داد.

بازی همستر بلای جان رانندگان می‌شود؟

مهر| به‌گفته سرهنگ سیدابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، ۳۸ درصد از تصادفات در سال ۱۴۰۳ در پایتخت مربوط به بی‌توجهی به جلو رانندگان بوده است. حالا بازی همستر نیز تمرکز و توجه راننده‌ها را تحت شعاع قرار داده است. به طوری که شاهد هستیم برخی موتورسواران هنگام رانندگی مشغول بازی همستر هستند و عملا این مسئله برای راکبان موتورسیکلت با مخاطرات بیشتری همراه است و به نوعی این بازی، سلامت رانندگان را هدف قرار داده است.

مرگ هم‌زمان ۳کارگر با سقوط در چاه

انتخاب| صبح دیروز در حد فاصل گرمسار به سمنان سه کارگر مشغول در یک مزرعه کشاورزی، ناگهان به دلیلی نامشخص درون یک چاه آبی به ارتفاع ۱۰متر سقوط کردند. با وجود تلاش امدادگران هر سه کارگر بر اثر این سقوط جان خود را از دست دادند.

عکس: محسن بخشنده| شهرآرا

متهم سیاه‌ترین جنایت سال‌های اخیر شهر صحنه قتل و دفن مقتول را با خون‌سردی تمام بازسازی کرد

بازسازی جنایت سیاه در مشهد

محمدجواد ابوعطا

گزارش

بی‌سابقه‌ترین جنایت سال‌های اخیر مشهد بازسازی شد. در این پرونده مردی پس از فریب مادری حدودا چهل ساله، او را به عقد موقت خود درمی‌آورد و در روستاهای اطراف مشهد در یک خانه استیجاری در نزدیکی کارگاه تولید زغالی که متعلق به خودش بوده، اسکان می‌دهد. او پس از دو سال به دلایلی که هنوز به درستی روشن نشده است، زن را با قرص‌های خواب قوی در اتاقک سرایداری کارگاه زغال بیهوش کرده و پس از بازکردن گاز شهری در اتاقک و قطع برق، حدود ۲۴ ساعت بعد به سراغ زن می‌رود. متهم پس از دو روز زن را در انتهای کارگاه دفن کرده و بلافاصله به سراغ دختر این زن می‌رود و او را فریب داده و با او به‌طور موقت ازدواج می‌کند. یکی از اتهام‌های جدی متهم تهیه فیلم‌های مستهجن از مادر و دختر و تعدادی زن دیگر است که مستنداتش درون موبایل و لپ‌تاپ او کشف شد.

برای رسیدن به جغرافیای این جنایت سیاه باید وارد توس ۶۵ (خیابان نجف) شد و پس از طی مسافتی از شهر خارج شد تا به روستای کوشک‌مهدی رسید. در انتهای کوچه شقایق ۷ پشت کرکره بسته آخرین ساختمانی که بعد از آن بیابان و زمین‌های کشاورزی بود، آذرماه سال گذشته جنایتی عجیب رخ داده بود.

متهمی با عینک کائوچویی

با دستور قاضی صفری، بازپرس جنایی، متهم این پرونده برای بازسازی صحنه جرم در حالی به این نقطه منتقل شد که دختر مقتول نیز به عنوان شاهد در این صحنه حاضر شده بود. با دستور مقام قضایی متهم با عینک کائوچویی دور مشکی‌اش از خودرو پیاده شد. قفل کرکره در نبود کلید آن بریده شد و در این کارگاه که مخصوص تولید زغال بود، پیش روی متهم گشوده شد. تقریبا یک لایه سیاه‌گرد زغال همچون ملحفه‌ای روی همه چیز کشیده شده بود، حتی روی وسایل استراحت در اتاقک سرایداری که دو سال قاتل و مقتول در آن زندگی کرده بودند و آخرین دیدارشان نیز در همین اتاق بود.

سکوت، تنها واکنش متهم

تنها واکنش متهم پس از ورود به این ساختمان سکوت بود. او هیچ حرفی نمی‌زد و در پاسخ مقام قضایی با کلمات و جملات کوتاه و شمرده پاسخ می‌داد. حتی وقتی دختر مقتول با او روبه‌رو شد و با یکدیگر چشم در چشم شدند، او باز هم سکوتش را نشکست و در پایان بازسازی با همان سکوت مرموزش به خودرو منتقل شد. متهم ریشی تُنک و نامرتب روی صورتش داشت و به نسبت تپل بود و لباس‌های راه‌راه آبی بازداشتگاه به تن داشت. او درباره انگیزه‌اش مدعی شد که مقتول نمی‌گذاشته به زن و بچه‌اش در شهرستان سر بزند، برای همین نقشه قتل را کشیده است. اما در پاسخ به مقام قضایی که پرسید: «تو مردی و می‌توانستی مقتول و دخترش را به‌راحتی رها کنی و به سراغ خانواده‌ات بروی، چرا این کار را نکردی؟» پاسخ نداد و سرش را پایین انداخت.

۳سال قبل ازدواج کردیم

به‌گفته متهم از حدود سه سال قبل با این زن ازدواج موقت کرده بود و او را به همراه دخترش در همان نزدیکی کارگاه زغال در یک خانه استیجاری با حداقل امکانات اقامتی مستقر کرده بود. این فرد در حالی که متهم است با انگیزه هوس‌رانی زن را کشته تا بتواند از دختر بیست ساله‌اش لذت جویی کند، این اتهام را نیز بی‌پاسخ گذاشت. او در پاسخ به اینکه «مگر نمی‌دانستی وقتی با زنی ازدواج کنی، دیگر به دخترش حرام دائمی می‌شوی؟» مدعی شد که این را نمی‌دانسته است.

متهم درباره آنچه آذرماه سال گذشته میان او و مقتول گذشته بود توضیح داد که غروب بود و با او وارد کارگاه شدیم. حالش خوب نبود و نمی‌توانست بخوابد. اعصابش خرد بود. به او چند قرص کلونازپام، امپرازول و... دادم و گفتم قرص خواب است. قرص‌ها را خورد و روی تخت دراز کشید. ساعت ۷ شب بود. وقتی خوابش برد، شیر گاز را از پشت اتاقک سرایداری توی اتاق دادم و با پرده و پلاستیک تمام راه‌های نفوذ هوا را بستم. شیر گاز را تا آخر باز کردم. بعد در را بستم و رفتم. فردا ساعت ۱۱ صبح بود که برگشتم. از پشت شیشه نگاه کردم و دیدم تکان نمی‌خورد، فهمیدم که مرده است. بعد رفتم و با استفاده از کنتور برق دیگر که آخر کارگاه است، با استفاده از بیل و هیلتی پشت کوره‌ها را به عمق یک متر کندم. بعد آمدم و در را باز کردم و شیر گاز را بستم و دو روز جسد را به حال خودش رها کردم تا آرام آرام گاز خارج شود. دو یا سه روز بعد بود که آمدم سراغش، بدنش بوی تعفن شدید گرفته بود، دست و پایش خشک شده بود. یک پتو روی زمین انداختم و او را هل دادم تا روی پتو افتاد. به تنهایی پتو را تا آخر کارگاه کشاندم و جسد را دفن کردم. چون بوی تعفن زیاد بود و ممکن بود دخترش در رفت و آمد به کارگاه متوجه بوی آن بشود، روی زمین محل دفن سرکه چوب ریختم. بعد هم به دخترش گفتم که ترشی درست کرده‌ام و او دیگر سؤال نپرسید.

کشف چند گیگ فیلم مستهجن

بعد از توضیحات متهم، او به پرسش مقام قضایی که موضوع ناموسی بینتان نبود؟ پاسخ منفی داد و بعد هم اعلام کرد که قبل جنایت هیچ دارو، موادمخدر و مشروباتی مصرف نکرده است. وقتی صحبت به فیلم‌های مستهجنی که او از خودش و تعداد زیادی از زنان تهیه کرده بود رسید، مدعی شد که چند گیگابایت فیلم را فقط برای مصرف خودش ضبط کرده و نگه داشته است.

متهم درباره ارتباطش با پیج‌ها و کانال‌های همسریابی که در تحقیقات، مأموران به آن رسیده بودند، مدعی شد که هیچ ارتباطی با آن‌ها نداشته است. او همچنین ادعای فروش فیلم‌های سیاهش به دیگران را در حالی تکذیب کرد که تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه آغاز شده است و به زودی نتایج آن مشخص خواهد شد. اظهار پشیمانی این قاتل ساکت و مرموز، آخرین قسمت پیش از روبه‌رو شدن با دختر مقتول بود. در اینجا قاضی صفری ختم بازسازی را اعلام کرد تا تحقیقات گسترده‌تری در این پرونده به‌ویژه در زمینه سرنوشت زنانی که به‌نوعی قربانی این مرد هوس‌ران شده‌اند انجام شود.

دستگیری سارق مکار یک دامداری

خبر

دیبا| اینکه قیمت ۲۳ رأس گوسفند می‌شود ۳۰۰ میلیون تومان دیگر تعجبی ندارد، اما اینکه همین تعداد گوسفند طی سه شب از یک دامداری در حاشیه شهر مشهد مفقود بشود، موضوعی بود که دامدار فقط فرضیه سرقت را محتمل می‌دانست و موضوع را به پلیس مشهد اعلام کرد. در پی گزارش سرقت احشام در این دامداری، شناسایی و دستگیری سارقان در دستورکار مأموران کلانتری خواجه‌ربیع قرار گرفت. در بررسی اظهارات مال‌باخته مشخص شد که سارق شبانه طی چند مرحله با نفوذ به داخل دامداری ۲۳ رأس گوسفند به ارزش بیش از ۳۰۰ میلیون تومان را سرقت کرده است. مأموران دایره تجسس کلانتری خواجه‌ربیع تحقیقات جامعی را در این زمینه آغاز کردند و ابتدا به سراغ افرادی رفتند که امکان ورود بدون دردسر به این دامداری را داشته و به نوعی راه را بلد بوده‌اند. مأموران با بررسی اظهارات مال‌باخته و یک سری تحقیقات میدانی، متهم را شناسایی کردند و پس از جمع‌آوری ادله و مستندات کافی با هماهنگی مقام قضایی متهم را در اقدامی ضربتی دستگیر کردند. متهم سی‌ساله در بازجویی‌های به عمل آمده به هشت فقره سرقت اعتراف و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

نجات جان از نیشابور تا شیراز

خبر

جلائیان| پس از بستری در بیمارستان ۲۲ بهمن نیشابور، پاسخ آزمایش‌ها نشان داد که دلیل نداشتن علائم حیاتی این فرد، سکته مغزی بوده است. سکته‌ای که در نهایت باعث مرگ مغزی علی‌اکبر رشیدآبادی، شهروند شصت و هشت ساله نیشابوری شد. پزشکان نیشابوری چندین بار علائم حیاتی او را بررسی کردند و درنهایت پس از اطمینان درباره مرگ مغزی بیمار خود، وضعیت او را برای خانواده‌اش تشریح کردند. کادر درمان به این خانواده پیشنهاد اهدای عضو به بیماران نیازمند را دادند. پیشنهادی که با موافقت خانواده رشیدآبادی همراه شد و پیکر او به مشهد منتقل شد.

پس از پذیرش این بیمار در بیمارستان منتصریه مشهد، یک بار دیگر وضعیت حیاتی او توسط متخصصان بررسی شد و پس از تأیید نهایی، پیکر او به اتاق عمل منتقل شد. در این جراحی پزشکان کبد این مرد نیشابوری را برای پیوند به بیمارستان بوعلی سینا در شیراز ارسال کردند و دو قرنیه و بخشی از پوستش را برای پیوند به بیماران، تحویل بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی و بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) دادند.

جدول ۴۰۳۹